

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/18

موضوع: سه عامل مهم و اساسی در شکل گیری حادثه کربلا

دادگستری استان مرکزی

فهرست موضوعات این سخنرانی

شگفتی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی از شنیدن این روایت!

سه ذکر کارگشا، سرلوحه آغاز زندگی در هر روز

توفیق ها و سلب توفیق ها، نتیجه اعمال و کردار دنیوی

مهمترین علل و عوامل بروز حادثه کربلا

1- دوری از اهل بیت (علیهم السلام)

تعداد روایات نقل شده از اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت

2- دور ساختن جامعه از سنت راستین نبوی

«شمر بن ذی الجوشن»: من انسان شریفی هستم!!

3- جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت (علیهم السلام)

فرقه انحرافی «احمد الحسن» خطر جدی برای مکتب تشیع

آیت الله دكتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که امسال هم به ما توفیق داد محرم و ایام عزاداری را درک کردیم و نام ما در لیست عزاداران سرور آزادگان (علیه السلام) ثبت گردید. باشد که ذخیره‌ای برای شب اول قبر و قیامت ما باشد.

بنده هم ایام جانسوز شهادت حضرت سیدالشهدا و یارانش و اسارت دلخراش اهل‌بیتش را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان و دلباختگان به اهل‌بیت عصمت و طهارت بالاخص مقام معظم رهبری و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی این پاکان سوگند می‌دهیم پاداش ما را در این مصائب جانکاه فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر قرار بده و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار دهد و به ما توفیق دهد به آنچه رضای خود و رضای ولی آن هست عمل کنیم.

شگفتی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی از شنیدن این روایت!

بنده قبل از آغاز سخن روایتی را خدمت عزیزان از امام صادق (علیه السلام) عرض کنم. بنده روزی این روایت را خدمت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی عرض کردم. ایشان فرمودند: یکی از بهترین روایاتی که من در عمرم شنیدم، این روایت بود.

مرحوم «بحرانی» در کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» نقل می‌کند که امام صادق (سلام الله علیه) فرمود:

«عجبت لمن فزع من أربع، كيف لا يفزع إلى أربع؟ عجبت لمن خاف كيف لا يفزع إلى قوله عز و جل: حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. فإني سمعت الله عز و جل يقول بعقبها: فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ شُؤٌّ.

و عجبت لمن اغتم، كيف لا يفزع إلى قوله عز و جل لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فإني سمعت الله عز و جل يقول بعقبها: فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.

و عجبت لمن مكر به، كيف لا يفزع إلى قوله تعالى: وَ أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. فإني سمعت الله عز و جل يقول بعقبها: فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا.

و عجبت لمن أراد الدنيا و زينتها، كيف لا يفزع إلى قوله تعالى: ما شاء الله لا قوة إلا بالله؟ و فإني سمعت الله عز و جل يقول بعقبها: إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلْدًا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ حَسْبِكَ، و عسى موجبة».

البرهان في تفسير القرآن، نویسنده: بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، تاریخ وفات مؤلف: 1107 ق؛ محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، ناشر: مؤسسه بعثه، قم، 1374 ش؛ ج3، ص: 637

امام صادق در این روایت می‌فرماید: خداوند در قرآن کریم چهار چیز از ما خواسته و چهار وعده هم به ما داده است.

نکته اول اینکه: اگر کسی خوف و ترس دارد، چرا نمی‌گوید:

(حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ)

خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است.

سوره آل عمران (3): آیه 173

چرا که خداوند خود وعده داده است:

(فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ)

بهمین جهت آنها (از این میدان) با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی بانها نرسید و از فرمان خدا پیروی کردند و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

سوره آل عمران (3): آیه 174

خداوند عالم در مقابل، نعمت و تفضلی را به ما می‌دهد که آن تفضل عاری از سوء است. بنده بارها مثال می‌زنم و می‌گویم: مگر فضل خداوند هم سوئی دارد که می‌فرماید:

(فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ)

گاهی اوقات تفضل الهی است که انسان ماشین می‌خرد، اما فردا تصادف می‌کند. فضلی است، اما در کنار آن سوء است.

گاهی اوقات خداوند فرزندی به انسان می‌دهد، اما ناقص الخلقه است. گاهی انسان منزلی می‌خرد، اما با مشکل مواجه می‌شود. حال اگر کسی گفت:

(حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ)

خداوند این وعده را به ما داده است؛

(فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ)

نکته دوم اینکه ما همواره خود را در محضر خداوند عالم، مقصر بدانیم و

(رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي)

پروردگارا! من به خود ستم کردم.

سوره نمل (27): آیه 44

را با تمام وجود اعتراف کنیم. خداوند متعال چه وعده‌ای داده است؟

(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (21): آیه 88

نکته سوم این است که خداوند عالم از ما خواسته است بگوییم:

(وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ)

من کار خود را به خداوند یکتا واگذار می‌کنم.

سوره غافر (40): آیه 44

این بدان معناست که ما در تمام کارها تلاش کنیم به این نکته برسیم: «لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم». تمام حرکات و سکانات ما از آن خداست.

(اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ)

خدا خالق همه چیز است.

سوره رعد (13): آیه 16

هر حرکت و فکری که از ما صادر می‌شود، به تعبیر «علامه طباطبایی»:

«کل مولود یولد علی الفطرة یعنی علی المعرفة بأن الله خالقه»

المیزان فی تفسیر القرآن، نویسنده: طباطبایی، سید محمد حسین، ج 16، ص 239، باب بحث روائی

ما باید کارمان را به خدا واگذار کنیم.

(وَ أَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)

من کار خود را به خداوند یکتا واگذار می‌کنم که او نسبت به بندگانش بیناست.

سوره غافر (40): آیه 44

خداوند در مقابل چه وعده‌ای داده است؟!

(فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا)

خداوند او را از نقشه‌های سوء آنها نگهداشت.

سوره غافر (40): آیه 45

کسی که از مکر و توطئه‌های دیگران واهمه دارد، تنها راهش این است:

(وَ أَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)

خداوند متعال این را از ما خواسته است. در مقابل چه وعده‌ای داده است؟!

(فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا)

نکته چهارم این است که خداوند عالم از ما خواسته بگوییم:

(مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ)

قوت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست.

سوره کهف (18): آیه 39

ما کار را انجام می‌دهیم، اما با توکل بر خداوند عالم و اتکاء به قدرت الهی و استناد از عنایت الهی انجام دهیم.

(حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ)

خداوند متعال این را از ما خواسته است. در مقابل چه وعده‌ای داده است؟!

(إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلَدًا فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُوْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ)

اما اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست) شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد.

سوره کهف (18): آیه 39 و 40

سه ذکر کارگشا، سرلوحه آغاز زندگی در هر روز

من همیشه به دوستان عرض می‌کنم صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قبل از آنکه از رختخواب بلند بشوید، این سه ذکر را سرلوحه آغاز زندگی خود قرار دهید.

بنده خودم هم ملتزم هستم و شاید بیش از چهل سال است صبح که از خواب بیدار می‌شوم، قبل از اینکه از رختخواب فاصله بگیرم، این سه آیه را می‌خوانم:

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) و: (وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ) و: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ)

هرچه هست از خداوند است:

«لا مؤثر في الوجود إلا الله»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 57، ص 170، باب 34

و:

«مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2، ص 572، ح 10

توفیق ها و سلب توفیق ها، نتیجه اعمال و کردار دنیوی

نکته دیگر این است که آنچه به ما می‌رسد، چه از خوبیها و چه از بدیها، عمدتاً نتیجه عملکرد خود ماست.

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا)

اگر نیکی کنید بخودتان نیکی می‌کنید، و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.

سوره اسراء (17): آیه 7

گاهی اوقات گناه کوچکی از ما سر می زند، اما عواقب سختی به دنبال دارد. به تعبیر مرحوم آیت الله بهاءالدینی گاهی اوقات انسان بر سر زن و فرزند خود داد می کشد و همین داد کشیدن بسیاری از توفیقات الهی را از انسان سلب می کند.

گاهی اوقات یک مجرم و متهمی در برابر ما قرار گرفته است. ما به مجرم و متهم باید به عنوان یک مریض نگاه کنیم و خودمان در مقام یک پزشک باشیم. ما به فکر جمع کردن اتهامات و جمع کردن جرائم او نباشیم تا پرونده را سنگین کنیم.

«اصالت الصحة» و «اصالة البرائة» ها و اصالتها و اصول عقلیه یا عملیه که ما در حوزه علمیه خواندیم را در عملمان رعایت کنیم.

وقتی من بر سر زن و فرزند خود داد می کشم یا وقتی بر سر مخاطب خود داد می کشم، این را بدانم خداوند عالم مافوق مرا وادار می کند که بر سر من داد بکشد. دنیا این است!

(وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا)

و هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت.

سوره طه (20): آیه 124

یا:

(سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است، و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

سوره فتح (48): آیه 23

از طرف دیگر هم خداوند متعال می‌فرماید:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.

سوره طلاق (65): آیات 2 و 3

بنابراین ما باید تلاش کنیم در تمام کارها خداوند عالم و اهلبیت (علیهم السلام) و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را ناظر ببینیم و قدری روی شناخت امام و علم امام به خودمان اطلاعاتمان را بیشتر کنیم.

بنده یکی از زیباترین جملاتی که در وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی دیدم را برایتان بیان می‌کنم. حتماً عزیزان بارها دیده‌اند.

بنده خودم هر ماه یک بار یا هر دو ماه یک بار یک مرتبه این وصیت نامه را از ابتدا تا انتها مطالعه می‌کنم، به طوری که هرگاه مطالعه می‌کنم بعد جدیدی در روح من ایجاد می‌شود.

امام خمینی چند نکته در این وصیت نامه دارد. یکی از این موارد این است که ما بدانیم ائمه اطهار (علیهم السلام) از تمام اعمال ما آگاه هستند.

در کتاب «بحارالانوار» جلد 53 صفحه 175 وارد شده است که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نامه‌ای به «شیخ مفید» می‌نویسد و در آن آمده است:

«فَإِنَّا يَحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

ما احاطه علمی بر تمامی کارهای شما داریم و چیزی از شما بر ما پوشیده نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 53،

ص 175، ح 7

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) تعبیری دارد و می‌نویسد: اگر ما برای خدا و اهل بیت به اندازه یک کودک خردسال که کنارمان هست اهمیت بدهیم و اعتقادمان به خداوند عالم و علم الهی به همین اندازه باشد، کافی است.

این دو نکته‌ای که خدمت شما عرض شد، نکاتی بود که بنده خواستم برای خودم در حد ذکری باشد.

(وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ)

و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر برای مؤمنان سودمند است.

سوره ذاریات (51): آیه 55

مهمترین علل و عوامل بروز حادثه کربلا

نکته سوم اینکه ایام، ایام عاشورای حسینی است. معمولاً در جلساتمان از مصائب حضرت سیدالشهدا به اندازه کافی سخن گفته می‌شود. حال بعضی از منبری‌ها در خصوص اهداف امام حسین و نتیجه قیام امام حسین حرف زیاد می‌زنند.

یکی از موضوعاتی که در جامعه ما مورد غفلت قرار گرفته است که باید روی آن حساسیت داشته باشیم و سرمایه‌گذاری و اطلاع‌رسانی کنیم، ریشه‌ها و عوامل عاشورا است.

چه اتفاقی در طول این پنجاه سال بعد از رحلت رسول گرامی اسلام افتاد که با وجود زحمات‌های طاقت‌فرسای رسول گرامی اسلام، امت پیغمبر فرزند رسول الله را با آن وضع جانکاه به شهادت رساندند.

چه عواملی دست به دست هم داد که امت پیغمبر اکرم خیمه‌های حضرت سیدالشهدا را غارت کردند و اهل بیت حضرت را مورد ضرب و شتم قرار دادند و با وضع فجیع جوانان حضرت را به شهادت رساندند! این از موضوعاتی است که معمولاً در جلسات ما مورد غفلت قرار گرفته است. چند نفری همانند «دکتر جعفر شهیدی» و «مرحوم هاشمی نژاد» نکاتی دارند، اما به نظر بنده حق مطلب ادا نشده است.

1- دوری از اهل بیت (علیهم السلام)

من در این فرصتی که دارم، چند نکته را به عنوان یک سرلوحه مخصوصاً برای عزیزان فضلا و کسانی که خطابه دارند و به دنبال این هستند که حقیقت روشن شود بیان می‌کنم.

یکی از عواملی که باعث شد عاشورا به وجود آمد و این اتفاقات افتاد، دوری جامعه از قرآن و اهل بیت بوده است. حتی کسانی که شعار:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص 1612، ح 4169

سر دادند، به دستورات قرآن کریم پایبند نبودند و اهل بیت را هم با اینکه «حدیث ثقلین» در حق آن بزرگواران وارد شده بود، کنار گذاشتند. تأکیدی که رسول اکرم روی حدیث ثقلین داشتند، در هیچ حدیث دیگری نداشتند.

«ابن حجر هیثمی» متوفای 974 هجری در کتاب «الصواعق المحرقة» می‌گوید: پیغمبر اکرم «حدیث ثقلین» را در «عرفات» فرمود، در «منا» فرمود، بعد از برگشتن از «طائف» فرمود و در آخرین لحظه زندگی که حجره‌شان مملو از صحابه بود گوشزد کرد.

ولی امت اسلامی نه به قرآن کریم عمل کردند و نه به فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام) عمل کردند. امت اسلامی این دو فرمایش نبی گرامی اسلام را کاملاً کنار گذاشتند.

یکی از نکاتی هم که «امام خمینی» در وصیتنامه خود دارد، این است که آغاز وصیتنامه ایشان با «حدیث ثقلین» شروع شده است. شاید نصف و یا بیشتر وصیتنامه امام خمینی روی حدیث ثقلین دور می‌زند. ما باید قدری در جامعه خود این دو را بیشتر کنار هم مطرح کنیم. رسول اکرم در غدیر خم فرمودند: کتاب و اهل بیت در کنار هم هستند.

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمین - القاهرة - 1415، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، ج 4، ص 33، ح 3542

این حدیث هم عصمت اهل بیت (علیهم السلام) را ثابت کرده است و هم قرین بودن و عدیل بودن اهل بیت را با قرآن کریم تثبیت کرده است. در مقابل، امت اسلام در حق ثقلین چکار کردند؟! بنده تنها اشاره‌ای خدمت عزیزان داشته باشم.

بزرگ‌ترین کتابی که از عزیزان اهل سنت ما مطرح است، «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است که معتقدند بعد از قرآن کریم، أصح الکتب است.

تعداد روایات نقل شده از اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت

در تمام کتاب «صحیح بخاری» از امیرالمؤمنین تنها بیست و نه روایت آمده است. آقایان کتاب «مقدمه فتح الباری» اثر «ابن حجر عسقلانی» صفحه 471 را ملاحظه کنند. تمام روایاتی که آوردند، بیست و نه روایت است.

«ابن حزم أندلسی» هم ادعا می‌کند تنها پنجاه روایت از علی بن ابی طالب صحیح است و مابقی غیر معتبر است. حال از «ابوهریره» نزدیک به چهارصد و پنجاه روایت آمده است.

«ابن حزم أندلسی» کتابی تحت عنوان «اسماء الصحابة الرواة و ما لكل واحد من العدد» دارد که در این کتاب، تمام روایات صحابه را از صحاح و سنن و مسانید و تاریخ و تفسیر در این کتاب جمع کرده است.

ایشان می‌گویند: ما در تمام منابع روایی پانصد و چهل و اندی روایت از علی بن ابی طالب داریم، اما از «ابوهریره» پنج هزار و هفتصد روایت داریم!!

ابوهریره هجده ماه با پیغمبر اکرم بود. او در سال فتح خیبر مسلمان شد سپس به بحرین رفت و بعد از رحلت پیغمبر اکرم برگشت، اما این همه روایت از او نقل شده است.

«محمد ابو ربه» یکی از علمای بزرگ دانشگاه الأزهر می‌گوید: امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از ابتدای کودکی در دامن پیغمبر اکرم بزرگ شده است و در تمام سفرها و حذرهای با پیغمبر اکرم بوده است. اگر بنا بود علی بن ابی طالب هر روز یک روایت از پیغمبر اکرم شنیده باشد، باید ما از امیرالمؤمنین دوازده هزار روایت داشتیم.

«ولو كان على رضي الله عنه قد حفظ كل يوم عن النبي - وهو الفطن اللبيب الذكي الحافظ ربيب النبي -

(حدیثا واحدا) وقد قضی معه رشیدا أكثر من ثلث قرن، لبلغ ما كان يجب أن يرويه أكثر من 12 ألف

حدیث. هذا إذا روی حدیثا واحدا في كل يوم، فما بالك لو كان قد روی كل ما سمعه - وكان له الحق

في روايته، ولا يستطيع أحد أن يماري فيه»

اگر علی در هر روز فقط یک روایت از پیغمبر حفظ بود، تعداد روایاتی که باید نقل می کرد بیش از 12000 روایت بود. این تنها در صورتی است که علی در هر روز فقط یک روایت نقل کند. حال اگر می خواست تمام آنچه که از پیغمبر شنیده را نقل کند، چه می شد.

شیخ المضیرة أبو هريرة، نویسنده: محمود أبو رية، وفات: 1385، ناشر: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان؛ ص 128

حال از «عایشه» همسر پیغمبر اکرم در کتاب «صحیح بخاری» حدود دویست و چهل و اندی روایت نقل شده است، اما از حضرت فاطمه زهرا تنها یک روایت نقل شده است. ما نمی گوییم چرا از عایشه روایات زیادی نقل کرده اند، اما آیا این انصاف است؟!

کتاب «فتح الباری» مقدمه ای دارد و طبق حروف الفبا پیش می رود. در تمام جوامع روایی از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تنها هجده روایت نقل شده است، اما از عایشه دو هزار و دویست و ده روایت نقل شده است!!

عرض کردم ما گلایه نداریم، اما شأن دختر پیغمبر اکرم چنین نیست. یکی از اساسی ترین کارهایی که «بنی امیه» و «بنی عباس» انجام دادند، این بود که اهل بیت را کنار زدند. بنابراین همین خیانت ها زمینه به وجود آمدن عاشورا و حوادث بعد از آن گردید.

در کتاب «صحیح بخاری» از امام حسن و امام حسین حتی یک روایت هم نقل نشده است!!

بنده یک مرتبه این قضیه را نقل کردم. یکی از آقایان گفت: امام حسن و امام حسین در آن زمان خردسال بودند. بنده گفتم: «عبدالله بن زبیر» هم خردسال بود و تنها پنج ماه از امام حسن بزرگتر بود. مشاهده کنید چند روایت از او در «صحیح بخاری» هست!؟

2- دور ساختن جامعه از سنت راستین نبوی

نکته دیگری که من خیلی فشرده عرض کنم، دور ساختن جامعه از سنت راستین نبوی بود.

وقتی اهل بیت (علیهم السلام) که مبین قرآن کریم هستند کنار رفتند، امثال «کعب الاحبار یهودی» و «تمیم داری مسیحی» در مسجد النبی کرسی تدریس در مسجد النبی گذاشتند، اما امیرالمؤمنین در حاشیه قرار گرفت.

این افراد یک سری احادیث جعلی و اسرائیلی در میان مردم منتشر کردند که همین احادیث جعلی زمینه شهادت امام حسین را فراهم کرد. به قول «آلوسی» که می‌گوید:

«أن الحسين قتل بسيف جده صلى الله تعالى عليه وسلم»

امام حسین را با شمشیر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کشتند.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 26، ص 73، باب محمد: (23) أولئك الذين لعنهم... ..

بنده دو روایت برای شما از کتاب «صحیح بخاری» می‌خوانم که نگویند این روایات از کتاب‌های ضعیف ماست.

در کتاب «صحیح بخاری» جلد 1 صفحه 198 از قول «أنس بن مالک» غلام و خادم پیغمبر اکرم روایتی نقل شده است. او گریه می‌کند و اشک می‌ریزد. وقتی از او علت گریه‌اش را سؤال می‌کنند، می‌گوید:

«لَا أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا أَدْرَكْتُ إِلَّا هَذِهِ الصَّلَاةَ وَهَذِهِ الصَّلَاةُ قَدْ ضَيَعَتْ»

از سنت پیغمبر اکرم غیر از نماز چیزی باقی نمانده است که نماز را هم ضایع کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 198، ح 507

«ابودرداء» متوفای 33 هجری است که در زمان خلافت امیرالمؤمنین از دنیا رفته است. او می‌گوید:

«فقال والله ما أعرف من أمةٍ مُحَمَّدٍ شيئاً إلا أَنَّهُمْ يَصَلُّونَ جميعاً»

او گفت: به خدا سوگند از امت محمد نشانه‌ای از شریعت پیغمبر نمی‌بینم، مگر اینکه دسته جمعی نماز می‌خوانند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 232، ح 622

ببینید این مسائل بود که زمینه شهادت حضرت سیدالشهدا را فراهم کرد. سنت واقعی رفت و سنت‌های دروغین به نام رسول اکرم در جامعه رشد کرد.

مشاهده کنید آقای «بخاری» متوفای 256 هجری است و یک سال بعد از ولادت حضرت بقية الله الأعظم از دنیا رفته است. مجموع روایات «صحيح بخاری» با حذف مکررات دو هزار و هفتصد روایت است.

او می‌گوید من روایات کتاب «صحيح» خود را از میان ششصد هزار روایت انتخاب کردم. یعنی پانصد و نود و هفت هزار روایت را کنار زدم و این دو هزار و هفتصد روایت را انتخاب کردم!

همچنین «مسلم» متوفای 261 هجری می‌گوید: من روایات کتاب خود را که هفت هزار روایت دارد، از میان سیصد هزار روایت انتخاب کردم.

«احمد بن حنبل» رئیس حنابله متوفای 241 هجری است و کتاب «مسند» او دارای سی هزار روایت است. او می‌گوید: من روایات کتاب خود را از میان هفتصد و پنجاه هزار روایت انتخاب کردم. این افراد میدان را برای جاعلین و وضاعین حدیث باز کردند.

روایتی هست که بنده دلم نمی‌آید آن را برای شما عزیزان نخوانم. بنده وقتی به این روایت نگاه می‌کنم، قلبم درد می‌گیرد. «حذیفه» از قول رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند و از آینده جهان اسلام می‌گوید. حضرت می‌فرماید:

«يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدَايِ وَلَا يَسْتَتُونَ بِسُنَّتِي وَسَيَقُومُ فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ»

بعد از من پیشوایانی می‌آیند که هدایت مرا قبول ندارند و به سنت من عمل نمی‌کنند و مردانی در آن قوم خواهند بود که قلوبشان قلوب شیاطین است که در جسم انسان هستند.

«قَالَ قُلْتُ كَيْفَ أَصْنَعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ»

گفتم: ای رسول خدا! اگر آن زمان را درک کردم چه کنم؟

«قَالَ تَسْمَعُ وَتَطِيعُ لِلْأَمِيرِ وَإِنْ ضُرِبَ ظَهْرُكَ وَأُخِذَ مَالُكَ فَاسْمَعْ وَأَطِعْ»

حضرت فرمود: حرف شنوی داشته باش و از امیر اطاعت کن. اگر تو را زد و مالت را گرفت، بازهم وظیفه‌ات این است که حرف شنوی داشته باشی و اطاعت کنی.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1476، ح 1847

یا به تعبیر «سويد بن غفلة» که می‌گوید:

«إن ضربك فاصبر وإن حرمك فاصبر وإن أراد أمرا ينتقص دينك فقل سمع وطاعة دمي دون ديني فلا تفارق الجماعة»

اگر تو را زد صبر کن، اگر تو را محروم کرد صبر کن، اگر به تو دستور ضد دینی داد، بگو سمعا و طاعة، دینم فدای جانم باد!

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 544، ح 33711

«شمر بن ذی الجوشن»: من انسان شریفی هستم!!

مشاهده کنید این روایت‌ها بود که امثال «شمر بن ذی الجوشن» را درست کرد. راوی می‌گوید: من کنار بیت الله الحرام بودم که دیدم «شمر» در قنوتش می‌گوید:

«اللهم إنک تعلم أنى شریف فاغفر لی»

خدایا می‌دانی که من انسان شریفی هستم، مرا مورد بخشش قرار بده.

راوی می‌گوید که من به او گفتم: بدبخت تو چطور انسان شریفی هستی که فرزند پیغمبر اکرم را به شهادت رساندی؟! برگشت گفت:

«فکیف نضع إن أمراءنا هؤلاء أمرنا بأمر فلم نخالفهم»

چه باید می‌کردیم؟ حکام به ما دستوری دادند و ما مخالفت نورزیدیم.

«ولو خالفناهم لکنا شرا من هذه الحمر السقاة»

اگر با آنها مخالفت می‌کردیم، از الاغ‌های آبکش بدتر بودیم.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار
الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل
أحمد عبدال موجود، ج 3، ص 385، ح 3747

او به صراحت ادعا می‌کرد: اگر من دستور حاکم را عمل نمی‌کردم شریف نبودم، بلکه از این الاغی که آب می‌برد
پست‌تر بودم!!

این مسائل باعث شد در جامعه جوی درست شود که مردم از روی تقرب به سوی خداوند اقدام به قتل امام
حسین کنند.

صحابه از امام سجاد سؤال می‌پرسند: یا بن رسول الله! شنیدیم بعد از اینکه امام حسین بی رمق افتاده بود، با
شمشیر و سنگ بدن فرزند پیغمبر اکرم را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. چرا این کار را می‌کردند؟! حضرت
می‌فرماید: به جهت تقرب به سوی خدا!!!

3- جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مسائلی که باعث به وجود آمدن عاشورا شد، جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت است. ما باید روی
این قضیه زیاد کار کنیم، اما متأسفانه کار خوبی نشده است.

بنده بارها گفتم: اگر ما هزاران ساعت وقت بگذاریم و تاریخ صحابه را مطالعه کنیم، آنچه در قرآن کریم و سنت
در رابطه با صحابه آمده و آنچه در رابطه با اهل بیت آمده را در دو کفه ترازو قرار دهیم، بسیاری از مسائل برای
ما روشن می‌شود.

خداوند عالم این توفیق را به ما داده که در حال حاضر حدود بیست و پنج سال است در شبکه‌های مختلف، حتی شبکه‌های متعلق به عربستان سعودی همانند «شبکه المستقله» مناظرات مختلفی داشتم.

بنده همچنین در «شبکه نور» متعلق به اهل سنت افغانستان یا «شبکه سلام» و دیگر شبکه‌ها بحث داشتم. به طور کلی زندگی ما با این بحث‌ها گذشته است.

یکی از افتخارات بنده این است که بیش از دویست مناظره در خاک عربستان سعودی داشتم که در کتابی سه جلدی تحت عنوان «قصة الحوار الهادی» به چاپ رسیده است.

روزی در قم خدمت حاج آقای محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری بودیم. من موبایلم را خدمت ایشان دادم تا پیامی که از بخش شرق کشور آمده بود را بخواند. آقای که شماره تلفنش هم در پیام موجود بود، نوشته بود:

"با بحثی که شما مطرح کردید و روشنگری کردید، بنده شیعه شدم و این بحث را در میان قبیله خود منتشر کردم. شب عید غدیر قبیله ما که پانصد نفر بودند، همگی یک جا شیعه شدند!"

ما کارخانه شیعه سازی درست نکردیم، بلکه می‌خواهیم اتمام حجت شود. بنده خدمت آیت الله جوادی آملی بودم و ایشان گفتند: "اگر شما این مطالبی که در کتب اهل سنت آمده است را مطرح نکنید، جوانان اهل سنت قیامت از شما شکایت می‌کنند! شما باید این مسائل را اطلاع رسانی کنید."

فرقه انحرافی «احمد الحسن» خطر جدی برای مکتب تشیع

نکته‌ای که بنده از عزیزان تقاضا دارم، این است که در خصوص شبهاتی که امروزه در فضای مجازی و رسانه‌ها مطرح می‌شود تنها به این جمله مقام معظم رهبری دقت کنید که فرمودند: "فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است."

امروز حتی در حوزه‌های علمیه خودمان افرادی آمده‌اند شبهاتی مطرح می‌کنند که حتی وهابیت جرئت مطرح کردن آن را ندارند.

امروز قضیه «احمد الحسن» مطرح شده است که مدعی است من فرزند پنجم امام زمان هستم و مأموریت دارم تمام مراجع و روحانیت را قتل عام کنم تا امام زمان ظهور کند!! بنده بارها گفتم: والله تالله فرقه «احمد الحسن» به مراتب از منافقین بدتر هستند.

ما غالباً در شهرستان‌ها با قضات صحبت می‌کنیم. آن‌ها می‌گویند: این افراد را می‌گیرند و می‌آورند و ما خلأ قانونی داریم.

از طرف دفتر حاج آقای رئیسی که بنده افتخار بیش از بیست و پنج سال رفاقت و دوستی با این بزرگوار را دارم، از ما خواسته شد مفاصد اعتقادی «احمد الحسن» را به صورت ماده قانونی درآوریم تا در مجلس تصویب شود.

ما چندین جلسه گذاشتیم و چند تن از قضات پیشکسوت دادگستری قم به دادگاه ویژه روحانیت تشریف آوردند و چندین جلسه گذاشتیم.

ما ده الی دوازده ماده قانونی آماده کردیم و خدمت دفتر حاج آقای رئیسی دادیم تا در مجلس تصویب شود که دست قضات هم باز باشد.

هر روز فرقه جدیدی درست می‌شود. ما باید قدری حواسمان به این افراد باشد و مراقب این افراد باشیم.

به عنوان مثال عوامل این فرقه انحرافی، به شخص اطلاع می‌دهند که شما قرار است فرداشب خواب ببینید و شخص فرداشب خواب هم می‌بیند.

بعد از دیدن این خواب از این شخص می‌پرسند که خواب را دیدی یا نه؟ او می‌گوید: بله. آن‌ها می‌گویند: آن خانمی که در خواب دیدی، حضرت فاطمه زهرا بود و این نشانه این است که «احمد الحسن» حق است. با هیپنوتیزم هرکاری می‌توان کرد!

همچنین طرفداران «احمد الحسن» به شخص می‌گویند که قرآن را باز کن و ببین چه آیه‌ای می‌آید.

این افراد با ترفندهایی جوانان ما را صید می‌کنند، مصداق فرمایش مقام معظم رهبری که فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است!! بنده بیش از این مصدع اوقات عزیزان نشوم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم فرج مولایمان حضرت ولی عصر را نزدیک بگرداند و انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقية الله الأعظم متصل نماید.

از خداوند متعال می‌خواهیم همه خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلیت بالأخص مقام معظم رهبری را بر توفیقاتشان بیفزاید. دشمنان مقام معظم رهبری که دشمنان دین هستند اگر قابل هدایت هستند هدایت وگرنه محو و نابود و مضمحل بفرماید.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلواتی عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته